



Questionnaire1

پرسشنامه وان - مرجع پرسشنامه ایران

پیوست شماره سه

ابزار تجدیدنظر شده الگوی ارتباطات خانواده

شماره	بعد	کاملاً مخالفم	تأخیدی مخالفم	نظری ندارم	تأخیدی موافقم	کاملاً موافقم
	جهت گیری گفت و شنود					
۱	والدینم من را تشویق می کنند تا احساساتم را بیان و ابراز کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۲	پدر و مادرم دوست دارند نظر من را بشنوند، اجتناب وقتی که من یا آنها موافق نیستیم.	۰	۱	۲	۳	۴
۳	اغلب وقتی خانواده درباره چیزی صحبت می کند پدر و مادرم نظر من را هم می پرسند.	۰	۱	۲	۳	۴
۴	پدر و مادرم من را تشویق می کنند تا افکار و عقاید آنها را مورد بحث و بررسی قراردهم.	۰	۱	۲	۳	۴
۵	من واقعاً از صحبت کردن با والدینم لذت می برم حتی وقتی با هم توافق نداریم.	۰	۱	۲	۳	۴
۶	ما اغلب در خانواده خود درباره احساسات و عواطفمان صحبت می کنیم.	۰	۱	۲	۳	۴
۷	معمولاً آنچه را که دارم درباره اش فکر می کنم، با پدر و مادرم در میان می گذارم.	۰	۱	۲	۳	۴
۸	اغلب من و پدر و مادرم درباره هر چیزی گفتگوهای طولانی، آسوده و راحتی داریم.	۰	۱	۲	۳	۴
۹	اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند: «تمام اعضای خانواده در تصمیم گیری های خانواده باید نظر خود را بگویند».	۰	۱	۲	۳	۴
۱۰	من تقریباً می توانم هر چیزی را با پدر و مادرم در میان بگذارم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	ما به عنوان یک خانواده اغلب درباره کارهایی که در طول روز انجام داده ایم، صحبت می کنیم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۲	اغلب پدر و مادرم چیزی مثل این می گویند: «تو همیشه باید به هر دو جنبه مثبت و منفی مطلب مورد بحث توجه کنی».	۰	۱	۲	۳	۴
۱۳	ما در خانواده خود اغلب درباره نقشه ها و آرزوهایی که برای آینده داریم حرف می زنیم.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۴	پدر و مادرم تمایل دارند احساساتشان را به راحتی بیان کنند.	۰	۱	۲	۳	۴
۱۵	ما در خانواده اغلب درباره موضوعاتی از قبیل سیاست و مذهب بحث و گفتگو می کنیم. هر چند بعضی از اعضای خانواده با یکدیگر موافق نباشند.	۰	۱	۲	۳	۴

شماره	بعد	کاملاً مخالفم	تأخیدی مخالفم	نظری ندارم	تأخیدی موافقم	کاملاً موافقم
	جهت‌گیری همنوایی					
۱	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می‌گویند: «عقیده و نظر من درست است و تو نباید در مورد آن چون و چرا کنی».	۰	۱	۲	۳	۴
۲	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می‌گویند: «بچه نباید با بزرگترها بحث کند»	۰	۱	۲	۳	۴
۳	پدر و مادرم احساس می‌کنند باید رئیس باشند.	۰	۱	۲	۳	۴
۴	وقتی پدر و مادرم عقیده من را نمی‌پسندند، نمی‌خواهند درباره آن چیزی بدانند.	۰	۱	۲	۳	۴
۵	در خانه ما، همیشه پدر و مادرم حرف آخر را می‌زنند.	۰	۱	۲	۳	۴
۶	بعضی وقتها وقتی عقاید من با عقاید پدر و مادرم متفاوت است، آنها از دست من عصبانی می‌شوند.	۰	۱	۲	۳	۴
۷	وقتی در خانه هستم از من انتظار می‌رود دستورات پدر و مادرم را اطاعت کنم.	۰	۱	۲	۳	۴
۸	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می‌گویند: «وقتی بزرگ شدی بهتر می‌فهمی».	۰	۱	۲	۳	۴
۹	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می‌گویند: «درباره بعضی چیزها نباید حرف زد».	۰	۱	۲	۳	۴
۱۰	اغلب پدر و مادرم چیزهایی مثل این می‌گویند: «در بحثها به جای اینکه دیگران را کفری و عصبانی کنی، باید تسلیم شوی (کوتاه بیایی)».	۰	۱	۲	۳	۴
۱۱	وقتی هر چیز واقعاً مهمی در میان است، پدر و مادرم از من انتظار دارند بدون هیچ چون و چرایی از آنها اطاعت کنم.	۰	۱	۲	۳	۴